



نقش آموزشی رسانه در حفظ محیط زیست

محمد دیبا

رشته حقوق جزا جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

در دنیای امروزه محیط زیست به یکی از مسایل حیاتی مهم تبدیل شده است. نابودی محیط زیست در این روزها با سرعتی باور نکردنی در حال به وقوع پیوستن است امروزه رسانه‌ها نقش مهمی در اطلاع-رسانی و آموزش محیط زیست از خود ایفا می‌کنند، از این رو تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، بر نوع رفتار و نگرش آنها با محیط زیست اثرگذار خواهد بود، قدم اول ارتقای فرهنگ عمومی حفظ از محیط زیست نیازمند آموزش محیط زیست در همه بخش‌ها به خصوص کودکان و نوجوانان به عنوان سفیران محیط زیستی در جامعه می‌باشد این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش رسانه‌ها در حفاظت از محیط زیست و تأثیر آنها بر رفتار و فرهنگ مردم و جامعه، می‌پردازد. در راستای ارتقای فرهنگ عمومی حفاظت از محیط زیست در کشور صورت گرفته، بر این منظور دیدگاه صاحب‌نظران، کتب، پیشینه مطالعاتی و تحقیقاتی انجام شده مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت. کنترل عوامل محیطی در ارتقای سلامت محیط زیست نقش اساسی و کلیدی دارد و آلاینده‌های محیط که از تنوع، گستردگی و پیچیدگی خاصی برخوردارند می‌توانند سلامت محیط زیست را با خطر مواجه سازند لذا با توجه اینکه رسانه‌های یکی از مهم‌ترین ابزار ارتباطات جمعی هستند باید از آنها در آموزش کنترل عوامل محیطی که باعث افزایش فرهنگ مردم در حفظ محیط زیست هست استفاده کرد. امروزه رسانه‌های جمعی، یکی از مجاری مهم و در مواردی بی‌بدیل، در فرایند انتقال، تثبیت، تغییر، توجیه و حتی کنترل عوامل محیطی شمرده می‌شوند و این گفتگو به این موضوع می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، رسانه و مردم، فرهنگ‌سازی، رسانه و مردم



مقدمه

کشور ایران هم اکنون، دارای چالش‌های زیست محیطی فراوانی است که ناشی از رفتارهای غیره متعارف می‌باشد. و آموزش بهترین راه برای رویارویی چالش‌های زیست محیطی خواهد بود (میردامادی و اسماعیلی، ۱۳۸۷، ۳۵) برای ارتقای وضعیت کنونی فرهنگ و نگهداری محیط زیست، اولین اقدام تهیه‌ی اهداف آموزشی نیز مشخص است. وجود اهداف آموزشی مشخص و روز به روز موجب جلوگیری از هدر رفتن انرژی و کمک به آموزش خواهد شد وجود اهداف آموزشی باعث تسهیل فرایند فعالیت‌های انجام شده می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۲). بنابراین هدف از آموزش حفاظت از محیط زیست توسعه و آگاهی مردم و مشارکت آنها در مسائل زیست محیطی و ایجاد رفتاری مناسب جهت حفظ و نگهداری محیط زیست می‌باشد (اردوغان، اسماعیلی ۲۰۱۰، ۳) و بر اساس کنفرانس بین‌المللی بلگراد در سال ۱۹۷۵، هدف‌های کلی آموزش محیط زیست، تقویت دانش، نگرش، مهارت و رفتار مردم است (هودسون، ۲۰۱۱). به نظر بلات اهداف کلی آموزش محیط زیست، باید فراتر از اهداف بیانیه‌ی بلگراد، بیان شود و ضروری خواهد بود که به مسائل محیط زیست با دید انتقادی نگریسته شود و پاسخ عاطفی داده است (بلات، ۲۰۱۵). ارتباطات زیست محیطی از جمله رشته‌های نوپا در حوزه علوم ارتباطات و رسانه است. این حوزه نظری و کاربردی متمرکز بر مسائل مرتبط با محیط‌زیست و ارتباط نوع بشر با طبیعت است و نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری تعاملی صحیح میان جوامع و محیط زیست، آگاهی بخشی درباره مشکلات و نحوه مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی، مهمترین عناوین مطرح در این حوزه را تشکیل می‌دهد. به طور کلی هدف اصلی ارتباطات زیست محیطی بررسی نقش و کارکرد رسانه‌ها در اصلاح، تغییر و یا ارتقای روابط میان جوامع و محیط زیست است (گودرزی و اشراقی، ۱۳۹۴، ۲۲). برخی از اندیشمندان معتقدند که استفاده از رسانه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردها و استراتژی‌ها در امر حفاظت از محیط زیست، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ حفظ محیط زیست حائز اهمیت است. از این رو تخریب محیط زیست این روزها با سرعتی باور نکردنی در حال رخ دادن است و یکی از حوزه‌های مهم اطلاع‌رسانی است، امروزه صاحبان رسانه‌های گروهی به‌ویژه خبرنگاران با آگاهی به وظیفه سنگین خویش در عرصه اطلاع‌رسانی شفاف و تبیین حقایق جامعه نقش به‌سزایی دارند. به هر حال در پی اهمیتی که وسایل ارتباط جمعی در شکل‌دهی افکار عمومی به خود می‌گیرند، محیط زیست گریان نیز آن را جهت پیشبرد اهداف معینی به خدمت می‌گیرند. چراکه فناوری‌های ارتباطی همواره مانند میز خطابه عمل کرده‌اند که اهمیت و خطمشی‌ها و سیاست‌های کلان زیست محیطی را در اذهان افکار عمومی نهادینه کرده‌اند. (دبیری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۷۳) بحران‌های زیست محیطی در ایران به‌عنوان یکی از شدیدترین بحران‌های زیست محیطی در جهان شناخته شده است (هیدجازی و عربی، ۲۰۰۹، ۱۲۹). علاوه بر آن که افراد مستقیماً تحت تأثیر رسانه‌ها می‌باشند، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی کننده و نیز خود خانواده تحت تأثیر این پدیده است. نهاد آموزش و پرورش با تمام وسعت و طول و عرض خود، منفعل و متأثر از رسانه‌هاست. گروه‌های خویشاوندی، شغلی و نیز همسالان از این موضوع مستثنی نیستند. برقراری این ارتباطات «فرهنگ» ساز است و موجب تعالی و تکامل فرهنگ و یا انحطاط آن می‌گردد (ساروخانی، پیشین، ۶). چالش عمده آن، افزایش سریع جمعیت و ارتباط تنگاتنگ آن با مشکلات زیست محیطی می‌باشد. گسترش شهرنشینی روندی است که شهرها را به سوی زیرساخت‌های نامناسب سوق می‌دهد. شهرهای بزرگ بیش از حد پرجمعیت هستند. برای مثال، تهران به عنوان یک کلان شهر در ایران، بیش از ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد. میلیون‌ها ماشین قدیمی



با مصرف بنزین، هوا را آلوده می‌کنند و هزاران شرکت و پالایشگاه داخلی در شهر و اطراف آن استانداردهای زیست محیطی را نادیده می‌گیرند. با توجه به گزارش نوامبر ۲۰۱۰ وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی، آلودگی هوا هرساله باعث مرگ بیش از ۱۰۰۰۰ نفر می‌شود که یک‌سوم از این تلفات در تهران رخ می‌دهد هرچند تنها ۱۵ درصد از جمعیت ایران در تهران سکونت دارند. ایران از سال افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های خود را در دستور کار قرار داده است و اکنون در حال تولید بنزین کم کیفیت است که این باعث تشدید آلودگی هوا می‌شود، بخش عمده‌ای از معضلات زیست محیطی موجود، ریشه در فقدان آگاهی‌های لازم و ضعف فرهنگی در زمینه‌ی ارتباط انسان و طبیعت دارد و در واقع، نوعی مشکل فرهنگی محسوب می‌شود؛ یکی از راه‌های ممکن برای حل این مشکل، آموزش حفاظت از محیط زیست به شهروندان است. دولت، مدارس، دانشگاه‌ها و... باید به این موضوع اولویت بدهند و به تولید اخلاق زیست محیطی در مراکز آموزشی اقدام نمایند (شیری و همکاران، ۱۳۸۸، ۳۲). رهبر معظم انقلاب اسلامی در این رابطه می‌فرمایند: شیوه‌های ناصحیح و غیرعادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست در کشورمان نشان دهنده فقدان آگاهی‌های زیست محیطی و ضعف سازوکارهای قانونی در صیانت از محیط زیست و جلوگیری از آلوده ساختن آن است. برای از بین بردن این نقیصه بزرگ و اساسی باید آگاهی افراد نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش یابد و مدیریت‌های کلان در ایجاد ساختار مناسب همراه با الزامات قانونی برای رعایت حقوق عمومی تلاش کنند و انگیزه‌ها و حساسیت‌ها را برای مقابله با آلاینده‌ها بالا ببرند (۱۳۸۲/۳/۲۱). آموزش محیط زیست اساساً به معنی جهت دادن به علائق محیط زیستی اعضای نظام اجتماعی است که می‌تواند منجر به توسعه و آزمایش راه‌های جدید حل مسائل، آماده‌سازی و اشاعه اطلاعات در مورد موضوعات محیط زیستی و شرکت فعالانه در اقدامات پیشگیری و حفاظتی برای بهبود محیط زیست گردد. متخصصین زمینه‌های گوناگون، تمامی گروه‌های شغلی و همه طبقات اجتماعی- اقتصادی که به نحوی از محیط زیست سود می‌برند، بایستی دانش، مهارت و بینش خود را برای حل مسائل محیط زیست بهبود بخشند. هدف آموزش محیط زیست، توسعه آگاهی و درک هر فرد نسبت به فرآیندها و ارتباطات داخلی در محیط‌های طبیعی و مجازی است، به صورتی که شخص به ارزش‌ها و نظریات، انگیزه‌ها و تعهدات خود نسبت به حمایت و حفاظت از محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی جامعه عمل ببوشاند. به عبارت دیگر هدف آموزش محیط زیست آن است که در افراد نسبت به حوادث و تغییرات اجتماعی و محیط زیستی حساسیت به وجود آید و نگرانی‌هایی نسبت به مسائل ناشی شده از آن‌ها و خواستی همگانی نسبت به اصلاح مشکلات انسانی مانند فقر، تخریب محیط زیست و بی‌عدالتی اجتماعی و قدرت تشخیص و توصیف مسائل محیط در مردم ایجاد کند و مهارت ابداع روش‌های حل مسائل زیست محیطی را در افراد بپروراند. (یونسکو، و توپرسک و همکاران، ۱۳۷۰، ۳۹) در ایران سازمان حفاظت محیط زیست نظر به اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر وظیفه عمومی در قبال حفاظت از محیط زیست، در شرایطی که محیط زیست در سطوح ملی و جهانی مورد تهدید جدی قرار دارد، اطلاع‌رسانی و اشاعه فرهنگ زیست محیطی را از مهم‌ترین اهداف و وظایف اساسی خود می‌داند؛ از این رو، در جهت پیگیری برنامه آموزش حفاظت از محیط زیست بین‌المللی تلاش همه‌جانبه‌ای را در سطح ملی برای آگاه‌سازی مردم نسبت به تهدیدات و خسارات وارده بر محیط زیست آغاز کرده است (بادکوبی، ۱۳۸۰، ۴۹). یکی از مهم‌ترین عوامل در جلب مشارکت عمومی، برنامه‌های آموزشی و افزایش سطح آگاهی مردم در زمینه‌ی مدیریت پسماند است. آموزش همگانی در زمینه‌ی مدیریت پسماند جزئی از آموزش محل زیست بشمار می‌رود. آموزش همگانی در



زمینه‌ی مدیریت پسماند به دو صورت آموزش رسمی در مدرسه، دبیرستان و دانشگاه و آموزش غیررسمی قابل انجام است. آموزش غیررسمی هم به صورت چهره به چهره و هم با استفاده از فناوری‌های آموزشی (پمفلت، پوستر، بلیورد، بر نوشته و...) و رسانه‌های گروهی (رادیو، تلویزیون، اینترنت، روزنامه و...) قابل ارائه است. اگرچه نتایج برخی از مطالعات نشان داده که آموزش چهره به چهره، اثربخشی بیشتری در جلب مشارکت مردم دارد، اما استفاده از فناوری‌های آموزشی و رسانه‌های گروهی، استمرار و پوشش بیشتر و هزینه به مراتب کمتری خواهد داشت. محتوای برنامه‌های آموزشی نقش قابل توجهی در اثربخشی آن‌ها دارد و باید با توجه به فناوری و رسانه آموزشی انتخاب شود. این برنامه‌های آموزشی با ایجاد درک صحیح از اثرات بهداشتی و زیست محیطی پسماند، آگاهی، شناخت و انگیزه مردم در انجام رفتارهای محیط زیست پسندان و مشارکت در مدیریت پسماند را بیشتر می‌کند و آن‌ها را با شیوه‌های اجرایی مشارکت در مدیریت پسماند آشنا می‌نماید (یوسیپا و پریماکمارا، ۲۰۱۳) از سوی دیگر، از کارکردهای رسانه‌ها، انتقال فرهنگی است که عبارت است از آموزش و ترویج فرهنگ و عقاید و ارزش‌ها (معمدنژاد، ۱۳۸۶، ۱۰). رسانه‌های جمعی می‌توانند تأثیر بسیار مهمی بر محیط زیست از خودشان نشان بدهند و نقش رسانه‌ها در حفظ و نگهداری از محیط زیست نه تنها امروزه به عنوان کاربرد رسانه‌ها در تغییر رفتار افراد جامعه برنامه‌ریزی شده بلکه نقش اساسی در تغییر رفتار بعضی افراد، مربوط به حفظ و نگهداری از محیط زیست دارند. زیررسانه‌ها عامل انتشار کردن اطلاعات و اخبار در

می‌باشند و به عنوان یک عامل اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر رفتار مردم از خودشان نشان خواهند داد، رسانه‌ها از جمله نهادهای مستقیم و غیرمستقیم می‌باشند که دانش و اطلاعات را از نسلی به نسلی منتقل خواهند کرد، از این رو قوی موثر خواهند بود، که در جهت کم کردن تعدیل رفتار انسان، و انتشار رفتارهای فرهنگی نقش آفرینی خواهد کرد (دایمن، ۲۰۰۷) بر این باور است که رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های دیداری و شنیداری، الگوهای رفتاری فردی را کم خواهند کرد، و رسانه‌های گروهی اثرگذار خواهند بود (غلام‌پورراد، ۱۳۹۳، ۳۸). بر اساس این رهیافت مخاطب شناختی- رسانه شناختی، رویکرد تجسم‌بخشی رسانه‌ای در پدیده‌های ماورایی که در ده هشتاد در تلویزیون ایران رخ داد، نویدبخش فصل نوینی در سینمای معنوی تربیتی باشد. یکی از وظایف خطیر انسان‌ها در عرصه جهانی شدن حراست از محیط زیست است. بنگاه‌های اقتصادی تنها هدفشان کسب سود بیش‌تر است. اگر محیط زیست به دست آن‌ها بیفتد، معلوم نیست چه بلایی بر سر آن می‌آوردند. رسانه‌ها اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجلات، ماهنامه‌ها و... باید بتوانند بدون هیچ محدودیتی تخریب و ویرانی محیط زیست را به تصویر بکشند. آنان وظیفه دارند به عموم شهروندان بگویند که پساب‌های صنعتی، فاضلاب، زباله، زباله‌های بیولوژیک و شیمیایی، کودهای مصنوعی، حشره‌کش‌ها، علف‌کش‌ها و مواد پاک‌کننده، آب را آلوده کرده است ۸۰ درصد از بیماری‌هایی که در انسان وجود دارد را می‌توان به آب آلوده نسبت داد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۳۰)

رسانه

مراد رسانه به کسر «را» هست. واژه «رسانه» به کسر «را» به معنا ابزار و وسیله است. رسانه‌های جمعی و یا گروهی، مسائل ارتباط جمعی، مثل رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مطبوعات و... است. رسانه‌ها، به معنای وسیله ارتباط جمعی، اعم از شنیداری، دیداری و مکتوب است. پیش از این باید به این نکته توجه داشت که ارتباط نه‌تنها یکی از عناصر مهم و اساسی زندگی گروهی انسان است، بلکه سنگ بنای جامعه و هسته اصلی



تشکیل ساختمان اجتماعی است؛ چه اینکه بدون ارتباط، هرگز فرهنگ پدیدار نمی‌گشت و بدون فرهنگ، جامعه لباس وجود بر تن نمی‌کرد. از این رو، در نظام‌های اجتماعی کوچک و بزرگ همانند خانواده، اجتماعات روستایی، شهری، کشوری و بین‌المللی، ارتباط در انتقال دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش و باورها و ارزش‌ها، نقش برجسته داشته است و می‌تواند به شکل‌گیری و تغییر شناخت‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتار انسان منجر گردد. (امیر تیموری، ۱۳۷۷، ص ۱۰) به همین دلیل، ارتباط به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تغییرات اجتماعی و سیاسی مطرح است. روشن است که ارتباط خودبه‌خود صورت نمی‌گیرد، بلکه نیاز به ابزار است. رسانه را ابزار ارتباط دانسته‌اند و در تعریف آن چنین گفته‌اند: رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم موردنظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... نمونه‌هایی از رسانه هستند (همان، ص ۱۶) البته ارتباط گاهی کلامی است که در آن پیام‌ها در قالب رمزهای کلامی به صورت شفاهی و یا به شکل نوشتاری منتقل می‌گردد و گاه ارتباط غیرکلامی است که در قالب رمزهای غیرکلامی مثل طراحی، نقاشی و موسیقی منتقل می‌گردد. ارتباط به لحاظ تعداد افراد درگیر نیز انواعی دارد که در این نوشتار، نوع ارتباط جمعی آن موردنظر است. «ارتباط جمعی» نوعی ارتباط است که در آن افراد زیادی ناآشنا، غیر مشخص و نامتجانس، که به آسانی قابل شمارش نیستند، مشارکت دارند. سخنرانی در مجامع عمومی و یا ارسال پیام از طریق برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و نشریات از این جمله است. (همان، ص ۱۴). در میان وسایل ارتباط جمعی، روزنامه، رادیو و تلویزیون بیش از هر رسانه دیگری وقت افراد جامعه را به خود اختصاص می‌دهند و این به خاطر ویژگی‌هایی است که آن‌ها دارا هستند. در اینجا، به برخی از ویژگی‌های آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف: روزنامه

رسانه‌ای است که هرروز چاپ شده، در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد و دارای ویژگی‌های ذیل است:

- ۱- به خاطر چاپ روزانه، تازگی خود را همیشه حفظ می‌کند.....
- ۲- از لحاظ شمارگان، در تعداد زیادی منتشر می‌شود، برخلاف کتاب و مجله که تعدادشان محدود است.
- ۳- مخاطبان خود را روزانه از اخبار و وقایع داخلی و خارجی باخبر می‌کند. (نقوی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱)

ب: رادیو

به‌عنوان رسانه‌ای صوتی، که پیام را به‌صورت امواج به مخاطبان می‌رساند، دارای ویژگی‌های ذیل است

- حجم کم، سبکی، قابلیت حمل و نقل، نداشتن محدودیت مکانی
- طرز کار ساده و کاربرد آسان
- امکان استفاده انفرادی
- امکان کار کردن با برق و باتری
- قابل استفاده در موقعیت‌های گوناگون، در حال کار، رانندگی، آشپزی و ... (امیر تیموری، پیشین، ص

(۱۹۲)

محیط زیست

«محیط زیست» در معنای عام، مکان و فضایی است که در آن، زیستن وجود دارد. از این رو، محیط زیست انسان یعنی مکان و فضایی که در آن زندگی می‌کند. از آنجا که زیستن و زندگی انسان، ابعاد و شئون گوناگون دارد، محیط زیست انسان نیز می‌تواند به اقسام گوناگون تقسیم شود. از جمله این اقسام، می‌توان به محیط



زیست دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی اشاره کرد، از این رو، مراد ما از محیط زیست محیط زیست طبیعی است اندیشمندان برای محیط زیست طبیعی، تعاریفی بیان کرده‌اند که وجه مشترک این تعاریف عبارت است از: مجموعه عوامل و عناصر طبیعی غیرانسانی، که میان آنها و زیست انسان، به معنای عام تأثیر و تأثر برقرار است. این مجموعه، شامل اشیاء و امور بی‌جان نظیر زمین، خاک، آب، هوا، فضا و اشیاء امور جاندار همچون گیاهان و حیوانات می‌شود.^۱ - یونسکو محیط زیست را محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان، که بنا بر دانش کنونی بشر همه حیات در آن استمرار دارد، می‌داند (الکساندرکیس، ۱۳۹۳: ۵) محیط زیست و حفظ آن از هر نوع تخریب و آلودگی‌ها و نحوه چگونگی استفاده از آن توسط انسان و حقوق محیط زیست امروزه در تمامی جوامع مورد بحث است و با گسترش فناوری که انسان را بر طبیعت مسلط‌تر کرده نیز باعث ایجاد قوانینی بین‌المللی در مورد آن شده است. انسان‌ها جزء ناچیزی از طبیعت هستند و طبیعت همه نیروها، گرایش‌ها و روندهای سازگار یا ناسازگار با زیست انسان را در دارد. انسان‌ها می‌توانند روندها یا نیروهای ناسازگار را بشناسد و به نفع زیست خویشتن آن‌ها را سازگار نمایند که به مثابه بهروزی و پیروزی اجتماعی انسان‌ها است. انسان در طول تاریخ طولانی زندگی خود بر روی زمین، گرچه بسیار و کارهای مهمی انجام داده ولی این اندیشه و کارهای او همیشه فقط به خاطر خودش بوده و هنوز هم غالباً چنین است؛ یعنی هیچ گاه به این کره که مسکن، منزل او، محیط زندگی، منشأ تامین نیازهای او و محل تولد و مرگ اوست؛ به‌طور جدی و توأم با مراقبت و رعایت نیندیشیده است. هیچ‌گاه به این فکر نبوده است که این پدیده چیست و چراست و چگونه است، چه خطراتی تهدیدش می‌کند، چه اقداماتی حمایتش می‌نماید و شرایط بحران‌زایی و بحران‌زدایی‌اش چیست. انسان همیشه در این فکر بوده است که هر چه بیشتر به نفع خودش از این کره و محیط آن بهره گیرد و در عوض، زائده‌های زندگی‌اش را با دور ریختن و پراکنده کردن، بر آن بار کنند، بدون این‌که بدانند این زائده‌ها به کجا می‌رود و چه می‌شود و چه اثراتی بر محیط و بر زندگی او باقی می‌گذارد. بدون این‌که بدانند که واقعاً دور ریختن در کار نیست و دور ریختن، در اصل نادیده گرفتن آن است و نادیده گرفتن آلودگی هم به معنی راحت شدن از خطرات آن نیست. آلودگی به هر جا که برود، با تغییراتی باز به محیط زندگی برمی‌گردد و در عناصر و عواملی اثر می‌گذارد و نفوذ می‌کند که به‌طور مستقیم بازندگی و سلامت همه ما ارتباط دارند. امروزه انسان‌ها می‌دانند زمین و منابع آن بی‌نهایت نیست، بلکه محدود است و انسان‌ها فقط می‌توانند مهمانان موقت آن باشند یا با سازگاری با زمین، آن را برای خود و بقای خود حفظ کنند. امروزه علم بی‌نهایت است و زمین محدود و کوچک و انسان‌ها در رابطه تنگاتنگ با یکدیگر. جمعیت انسانی زمین رو به تیزد است، درحالی‌که منابع کره خاکی محدود است. تأمین خوراک، انرژی، آب‌وهوا، منابعی است که در صورت کمبود یا نبود آن ادامه حیات انسان‌ها را بر روی زمین تهدید می‌کند. اینکه سرانجام کار انسان به کجا می‌انجامد، بسیار به درک و توانایی در فهم و همبستگی ما بستگی دارد. هر چند که انسان‌ها از نعمت شعور برخوردارند و از این رو قادر خواهند بود شرایط را به سمت حفاظت از نعمت‌های زمینی و بقای خویشتن سوق دهند؛ اما این مشروط به استفاده جوامع انسانی از خرد جمعی است که طبیعت در نهاد فرد آن‌ها قرار داده است. بدون شک دهه‌های

۲- میرعظیم قوام، حمایت کیفی از محیط زیست، ص ۱

- محیط زیست مجموعه‌ی عوامل بیولوژیکی شیمیایی، طبیعی، جغرافیایی و آب و هوایی است که انسان و محل سکونت او را در بر گرفته است (ممدوح حامد عطیة، انهم یقتلون البیئة، ص ۱۷).

- محیط زیست اصطلاحاً به طبیعت و عناصر طبیعی موجود در کره زمین و در مقیاس کوچک‌تر، در محدوده زندگی انسان همچون شهر و روستا (اطلاق می‌شود) محمد نقی‌زاده، «جهان‌بینی و حفاظت از محیط زیست»، نامه فرهنگ علوم، ش ۲۲، ص ۱۵۵



آینده حیات بشر دهه‌های حفاظت از محیط زیست و یا توسعه پایدار خواهد بود. امروزه بشر متوجه عواقب زیان‌بار بهره‌وری بی‌رویه از طبیعت و رها کردن انواع آلاینده‌ها در محیط زیست خود شده است. پیشرفت و توسعه عنان‌گسیخته و حساب‌نشده که با تخریب و آلودگی محیط زیست توأم است، عمل پیشرفتی ظاهری است. اشخاص یا کشورهایی محدود از این پیشرفت‌ها سود خواهند برد و سرمایه‌ها و ثروت‌های خود را چند برابر خواهند کرد اما طبیعت تخریب خواهد شد و آلودگی زمین، دریا، رودخانه، هوا و اتمسفر گسترش خواهد یافت. بیماری‌ها و امراض گسترش خواهند کرد؛ بیابان‌ها و کویرها گسترش یافته و زیبایی‌های طبیعت کاهش خواهد یافت. لذا در سرتاسر جهان تلاش‌های گسترده‌ای برای بهره‌وری بهینه از طبیعت و نظام بخشیدن و قانونمند کردن رابطه انسان با محیط آغاز شده است. سازمان ملل متحد، کشورهای مختلف جهان، احزاب، سازمان‌ها و ارگان‌های مردمی، دانشگاه‌ها، محققان و شخصیت‌های علمی و سیاسی زیادی تلاش دارند تا قوانین، نیروی انسانی، سازمان‌های اجتماعی، تکنولوژی و سرمایه لازم برای حفاظت از محیط زیست را تهیه کنند؛ و در دو قرن اخیر ساختار اقتصادی جهان به‌ویژه در کشورهای پیشرفته به نحوی بوده که در بیشتر موارد با قوانین و معیارهای حفظ محیط زیست مغایرت داشته است. یکی از مبهم‌ترین اصطلاحات در حوزه زیست محیطی، اصطلاح «محیط زیست» است؛ به‌طوری‌که نه‌تنها تعریف این اصطلاح در قوانین بسیاری از کشورها با همدیگر متفاوت است، بلکه نظریه‌پردازان این حوزه نیز نتوانسته‌اند تعریفی جامع که همگان آن را به‌عنوان مرجع بپذیرند، ارائه دهند. دانشمندان از ارائه تعریفی واحد و جامع در مورد «محیط زیست» ناتوان هستند و اظهار تردید کرده‌اند؛ زیرا حقوق داخلی ایران و بسیاری از کشورها در خصوص تعریف محیط زیست ساکت هستند و بیشتر محیط زیست را در رابطه با عناصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر به کار برده‌اند. از همین جهت معنا و مفهوم محیط زیست از نظر هر کشور با توجه به اهمیتی که آن کشور به هر کدام از عناصر زیست محیطی می‌دهد، می‌تواند متفاوت باشد (تقی، ۱۳۷۶: ۱۴). عده‌ای در تعریف محیط زیست گفته‌اند که هر چیزی اعم طبیعی و غیرطبیعی که در کره زمین وجود دارد و با دخالت انسان به وجود آمده باشد یا انسان در خلقت آن دخالتی نداشته باشد محیط زیست نامیده می‌شود از جمله این موارد هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده (شامل کوچه، خیابان، ساختمان، اعم از تاریخی و عادی و کارخانه) و غیره را می‌توان نام برد (بنان، ۱۳۵۱: ۵). بعضی دیگر محیط زیست را این‌گونه تعریف کرده‌اند: محیط زیست عبارت است از همه‌ی چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آن‌ها تأثیر می‌گذاریم و آن‌ها نیز ما را متأثر می‌سازند (بخشکی، ۱۳۸۱: ۱۵). قسمتی از جو یا پوسته‌ی زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد، محیط زیست نامیده می‌شود، بنابراین محیط زیست، قسمت کوچکی از جو (اتمسفر)، هیدرو سفر و لیتوسفر را شامل می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، محیط زیست قشر نازکی از هوا، زمین و آب است که همه‌ی زندگی را در بردارد (جنیدی، ۱۳۵۲: ۱۴۳). الکساندر کیس معتقد است: اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه‌ی محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده، اطلاق کرد. اصطلاح بیوسفر یا لایه‌ی حیاتی که یونسکو خصوصاً آن را به کار می‌برد، با یکی از وسیع‌ترین تعریف‌ها مطابقت دارد که عبارت است از محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه‌ی حیات در آن جریان دارد (حبیبی، ۱۳۷۹: ۵). برخی محیط زیست را به معنای نسبی که یک موجود با موجود دیگر دارد، تعریف می‌کنند. در این باب بر اهمیت محیط به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع تأکید می‌شود (بنسون، ۱۳۸۲: ۱۸). برخی دیگر اصطلاح محیط زیست را در گستره‌ای



وسیع مورد تعریف قرار می‌دهند؛ آن‌چنان‌که آن را به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده است، اطلاق می‌کنند (کیس، ۱۳۸۱: ۵). اگر بخواهیم جمع‌بندی از این تعاریف داشته باشیم، محیط زیست، به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد (قوام، ۱۳۷۵: ۲)؛ و همچنین می‌بایست دو مؤلفه بنیادین این تعاریف را به‌عنوان وجوه اشتراک در نظر بگیریم: «انسان و وابستگی به فضای پیرامونی» و «انسان و فضایی که حیات در آن ساری و جاری است». با استفاده از تعاریف محیط زیست که ارائه دادیم، اهمیت و نقش والای آن در رابطه با انسان به‌خوبی مشخص می‌گردد.

هدف تحقیق

- بررسی نقش رسانه در آموزش حفاظت از محیط زیست
- بررسی نقش رسانه در کاهش خسارت به محیط زیست از طریق آموزش
- بررسی نقش رسانه در افزایش احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست
- بررسی نقش رسانه در آگاهی مردم در نسبت به مسائل محیط زیست
- بررسی نقش رسانه در ارائه آموزش‌های هدفمند و منظم مسائل و وقایع محیط زیست

سؤالات تحقیق

- چه رابطه‌ای میان نقش رسانه از طریق آموزش با کاهش خسارت به محیط زیست وجود دارد؟
- چه رابطه‌ای میان نقش رسانه با افزایش احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

- رسانه از طریق آموزش می‌تواند در کاهش خسارت به محیط زیست نقش به‌سزایی داشته باشد.
- رسانه از طریق آموزش می‌تواند با افزایش احساس مسئولیت نسبت به محیط زیست نقش مؤثری داشته باشد.

اهمیت و ضرورت آموزش محیط زیست

نقش آموزش محیط زیست از نظر ایجاد باور زیست محیطی و بسترسازی فرهنگی حائز اهمیت فراوانی است. آگاهی افراد در سطوح مختلف اجتماعی از اصول حفاظت محیط زیست و ایجاد رغبت و انگیزه‌های داوطلبانه برای حفاظت از آن، تخریب و آلودگی محیط زیست را کاهش می‌دهد. در پرتو آگاهی‌های زیست محیطی می‌توان امیدوار بود که افراد در درون خود وظیفه‌های اخلاقی و وجدانی برای حفظ محیط زیست و احترام به حقوق نسل‌های فعلی و آینده را احساس نمایند و در قبال محیط زیست مسئولیت‌پذیر می‌شوند. (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۱). موضوع آموزش محیط زیست در قوانین برنامه‌های نیز لحاظ شده است. طبق ماده ۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است، به منظور تقویت و توانمندسازی ساختارهای مرتبط با محیط زیست و منابع طبیعی، سازوکارهای لازم را جهت گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی محیط زیست، در کلیه واحدهای آموزشی و مراکز آموزش عالی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش محیط زیست و منابع طبیعی، ایجاد تقویت ساختارهای مناسب برای فعالیت‌های زیست محیطی، در دستگاه‌های اثرگذار بر



محیط زیست، تنظیم و برقرار کند. در راستای ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار، از ابتدای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی مربوط را با پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیئت وزیران برساند. کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، رسانه‌های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی هستند. لازم به ذکر است که مفاد ماده ۶۰ قانون برنامه چهارم مجدداً در ذیل ماده ۱۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه تکرار شده است. علاوه بر این امر در قانون برنامه پنجم بر ایجاد نظام اطلاعات زیست محیطی کشور را در سطوح منطقه‌ای، ملی و استانی تا پایان سال اول برنامه پنجم تأکید شده تا زمینه‌های پیش، اطلاع‌رسانی و ارزیابی زیست محیطی فراهم گردد. یکی از دلایل عمده عدم مشارکت افراد در حفاظت از محیط زیست نداشتن علاقه است، به طوری که افزایش علاقه عمومی برای شناخت مشکلات در اولین مرحله فرآیند جلب مشارکت عمومی است، لیکن افکار عمومی اطلاعات کمی نسبت به موضوع دارند و اکثریت جامعه باید برای شناسایی مشکلات و واقعیت‌های محیط ترغیب شوند در این میان نقش رسانه‌ها می‌تواند شفاف، قابل فهم و بسیار مؤثر باشد (مارزوسو، ۱۹۸۰)

فلسفه رسانه

رسانه پیام است. مارشان مک لوهان بر این عقیده است که این عصر با پیدایش الکتریسیته آغاز شده، که آنان تونستند به مدد آنان اطلاعات را ذخیره نمایند، مک لوهان بر این باور بود که در دو هزار سال پیش با درخشش فلسفه این عصر به پایان رسید، و پیامدهای اجتماعی، رسانه‌های دیداری و شنیداری، و همچنین آغاز عصر اتوماسیون فناوری و اطلاعات که موضوع آن نظریه رسانه است (احدیان، ۱۳۷۸، ۲۵). پس از رسانه‌های جدید امروزی، در صنعت چاپ تغییر گسترده‌ای حاصل شده، همچنین در ابعاد شناختی می بینیم که به، رسانه‌ها وابسته است. فلسفه ی رسانه بازتاب دهنده‌ای گذرگاه‌های است که به صورت تاریخی پیش از صنعت چاپ دورنمای محوری و در نهایت رسانه‌های دیداری و شنیداری و رایانه‌های دیجیتالی را در ارتباط با هم قرار می‌دهد به نحوی که در زمینه ذخیره کرده تغییرات تبادل اطلاعات به تمام هستی انسان مربوط خواهد شد (علی‌آبادی، ۱۳۸۷، ۷۸)

فرهنگ زیست محیطی

حفظ محیط زیست به مسائل زیادی ارتباط دارد که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن مسئله فرهنگ اجتماعی است. در مسئله محیط زیست رفتارهای نابهنجار در ارتباط با محیط زیست به علت ناآشنایی با فرهنگ شهرنشینی و عدم درک درست از اوضاع زیست محیطی حاکم بر جامعه و وضعیت اعتقادات فرهنگی مردم هست زیرا مردم فرهنگ استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست محیطی و فرهنگ زیستن همراه با همزیستی با طبیعت را نیاموخته‌اند و یا به درستی آن را درونی نکرده‌اند که این تحقیق سعی بر آن دارد که به چند جنبه از عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست بپردازد.

تأثیر خانواده



خانواده بنیان‌گذار اکولوژی انسانی هست. سبک زندگی و رفتار فرزند یا فرزندان (در سنین پایین) هر خانواده در راستای رفتار و سبک زندگی والدین خانواده هست. هر خانواده‌ای بدون شک آداب و رسوم فرهنگی خود را به فرزند خویش انتقال داده و این موضوع بستگی به این دارد که هر خانواده چقدر فرزندان خود را با فرهنگ و مسائل محیط زیستی آشنا می‌کند و آموزش می‌دهد.

تأثیر آموزش و پرورش و آموزش عالی

فرزندان پس از خانواده از طریق مدرسه به‌طور رسمی وارد جامعه می‌شوند. این دومین گامی است که بایستی برای حفاظت از محیط زیست برنامه‌ریزی نمود. اهمیت آموزش و پرورش در یاد دادن مسائل و مشکلات زیست محیطی را بسیار بالا می‌برد، نقش معلمین نیز در راستا، نقش حیاتی می‌باشد به‌گونه‌ای یک برنامه کاربردی و جامع از سوی آموزش پرورش در مورد حفظ محیط زیست مهم و تأثیر گذار می‌باشد.

تأثیر رسانه‌های جمعی

رسانه‌ها از قبیل صدا و سیما، روزنامه‌ها، اینترنت و... نقش پررنگ‌تری را پس از موضوعات بالا می‌توانند ایفا کنند. نقش صدا و سیما در این زمینه بسیار ارزنده تر خواهد بود. تهیه برنامه‌های کاربردی که در آن مسائل زیست محیطی را مورد بحث قرار دهد نقش حیاتی در حفظ و نگهداری از منابع طبیعی دارد.

رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات، مجلات، تلفن همراه، کامپیوتر، ویدئو و... هرچند برای برخی اهداف دیگر به وجود آمده‌اند، اما تأثیر تربیتی مهمی روی الگوی رفتاری افراد دارند و در رشد و توسعه فرهنگ عمومی تا حد زیادی سهیم‌اند. آن‌ها گاهی نه برنامه‌های معین و منظمی داشته‌اند و نه قوانین و مقررات رسمی دارند. آن‌ها رفتار مخاطبین خود را تغییر می‌دهند؛ اما فرایند این تغییر و اصلاح، غیرمستقیم، غیررسمی و ناخودآگاه است. دیوئی به‌رغم مزایایی که برای آموزش رسمی خاطرنشان می‌کند، معتقد است خطرات آشکاری این نوع آموزش را تهدیدی می‌کند. او تصریح می‌کند موضوع آموزش رسمی، صرفاً موضوع مدارس خواهد بود که از موضوع اصلی تجربه زندگی مجزاست. پاتیل نیز معتقد است آموزش‌هایی که از طریق رسانه‌ها داده می‌شود نه تنها مکمل کار معلم است، بلکه به نتایجی دست پیدا می‌کند که هیچ تدریس شفاهی و گفتاری از عهده آن بر نمی‌آید. به‌خصوص در بیان موضوع‌هایی که از حوزه عمومی دید مردم خارج است که می‌تواند تاریخ، حوادثی که به دوره‌های گذشته مربوط است، جغرافیا و یا فرایندهای زیست محیطی باشد که مستقیماً نمی‌توان دید. رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند با رعایت حدود نیازها و علایق اجتماع، فرهنگ و نیازهای آموزشی را منعکس کنند. این رسانه‌ها از پتانسیل زیادی به‌عنوان یک نهاد تأثیرگذار در فرهنگ و زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم برخوردارند. رسانه‌ها می‌تواند مسائل و مشکلات عدیده جهانی را به کلاس‌های درس، ادارات، سازمان‌ها، شهروندان عادی و مدیران و نخبگان بیاورند و به این طریق برنامه‌های آموزش رسمی را تقویت و منابع اطلاعاتی همگان را توسعه دهند. فرهنگ عامل اصلی و به معنای موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست است. بهبود محیط زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان باهم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور هست. اخلاق زیست محیطی رفتار ایدئال بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است. (ازدری ۱۳۸۲)



باورهای جامعه

باورهای جامعه را می‌توان به خرافات و شایعات محدود نمود، متأسفانه در جامعه ما شایعات و خرافاتی به چشم می‌خورند که ارتباط مستقیمی با حفظ و نگهداری محیط زیست دارند به طور مثال خرافات را میتوان به له کردن سر جانور محدود کرد مواردی از قبیل این موضوع در کشور ایران به فراوانی به چشم می‌خورد، خرافات و شایعات موجود در فرهنگ ما متأسفانه برخی گونه‌های گیاهی را منقرض نموده و خیلی از آنها را به مرحله انقراض کشانده است.

نقش محیط در سلامت انسان‌ها

انسان انرژی موردنیاز خود را از طریق سوزاندن مواد آلی موجود در غذا با کمک آب و اکسیژن هوا کسب می‌نماید که حاصل آن انرژی و یک سری مواد زائد هست. آنچه مسلم است این فعل انفعال به صورت ساده صورت نگرفته، بلکه مستلزم یک سری مکانیسم‌های پیچیده است که در بدن صورت می‌گیرد، لذا اولین ارتباط و تماس انسان با محیط خود از طریق هوا، غذا و آب هست هوا لازم‌ترین ماده برای ادامه حیات است، زندگی انسان وابسته به این ماده هست انسان در هر دقیقه ۱۲-۲۰ مرتبه هوا را به درون ریه‌های خود وارد می‌کند و در یک شبانه‌روز تقریباً ۱۵ کیلوگرم هوا را تنفس می‌کند، لذا به سهولت به اهمیت حیاتی و بهداشتی آن می‌توان پی برد.

هوای سالم نقش بسیار مهمی در سلامت انسان دارد و جلوگیری از آلودگی آن باید از سطح منزل مسکونی تا مراکز شهرهای بزرگ صنعتی موردتوجه قرار گیرد. در محل سکونت گاز زغال، دود سیگار، سوخت ناقص وسایل گرمازا، گردوخاک موجب آلودگی می‌گردد که باید توسط ساکنین منزل از آلودگی آن جلوگیری شود. پس از هوا انسان به آب بیش از هر ماده دیگر نیازمند است، آب در اعمال فیزیولوژیکی بدن انسان نقش اصلی و اساسی دارد، زندگی بدون آب برای هیچ موجود زنده‌ای از جمله انسان امکان‌پذیر نیست. بدن انسان روزانه به‌طور متوسط ۲/۲ لیتر آب برای اعمال فیزیولوژیکی خود نیاز دارد. با توجه به نقش بیماری‌هایی که توسط آب به انسان منتقل می‌شود باید به کیفیت آب مورد مصرف توجه خاصی مبذول داشت و مشخصات آن می‌باید با استانداردهای توصیه‌شده مطابقت داشته باشد، باید دانست که تصور داشتن محیطی سالم بدون داشتن آب سالم غیرممکن است، ولی لازم است بدانیم که آب یا محیط بهداشتی بیماری را طرد نمی‌کند، بلکه استفاده آگاهانه مردم از این تسهیلات است که می‌تواند بهبود بهداشت را موجب شده، اثرات دیگر تلاش‌ها را در حفظ جان و رشد انسان‌ها تقویت کند. منبع تولید انرژی برای فعالیت انسان غذا هست، آلودگی غذا می‌تواند مشکلات عظیم و غیرقابل جبرانی را برای بشر فراهم کند، به همین دلیل است که ایجاد شرایط محیط بهداشتی و کنترل‌های لازم روی کیفیت مواد غذایی در کلیه مراحل تولید، نگهداری، توزیع و فروش مواد غذایی به‌منظور جلوگیری از برابر تأثیر عوامل خارجی موردنظر است. در این فعل‌وانفعالات مواد زائدی به‌صورت مدفوع و زباله به وجود می‌آید که می‌تواند بزرگ‌ترین کانون برای انتشار عوامل بیماری‌زا در محیط گردد و موجبات آلودگی آب‌های زیرزمینی، سطحی و هم‌چنین آلودگی خاک شده، زمینه مناسبی برای تخم‌گذاری، رشد، نمو، انتقال بیماری‌ها، آلودگی توسط حشرات و ناقلین را فراهم نماید؛ بنابراین جمع‌آوری و دفع صحیح و بهداشتی مواد زائد و کنترل ناقلین یکی از فعالیت‌های اصلی بهداشت محیط است. انسان برای محافظت خود از



شرایط آب و هوای نامساعد نیازمند به مسکن است که خود از نظر شرایط محیطی از قبیل نور، حرارت و تهویه و غیره باید دارای شرایط و خصوصیات باشد که سلامت او را تأمین و حفظ نماید. با تغییرات سریع فناوری، صنعت، تنوع محصولات گوناگون صنعتی و کشاورزی انسان در محیط کار خود به طور مستقیم و غیرمستقیم با عوامل شیمیایی- فیزیکی و بیولوژیکی خطرناک روبرو است که اگر تدابیر فنی بهداشتی بکار گرفته نشود به راحتی سلامت او را تحت الشعاع قرار خواهند داد و پس از مدتی کار بجای شادی و نشاط، بیماری را برای او به ارمغان خواهد آورد. کاربرد مواد رادیواکتیو و پرتوزا در صنعت- کشاورزی و پزشکی و جلوگیری از عواقب وخیم آن از لحاظ استفاده از دیگر فعالیت‌های بهداشت محیط است که باید بدان توجه خاصی مبذول نمود؛ بنابراین آموزش محیط زیست یعنی شناخت هم‌پیوستگی انسان و محیط و سراسر زندگی و مسئولیت او برای حفظ محیط به شیوه‌ای که برای زندگی و زیستن متناسب باشد. (علی عسکری، ۱۳۹۰)

آموزش حفاظت از محیط زیست

آموزش حفاظت از محیط زیست، بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت از محیط زیست است که به کودکان و بزرگسالان، بهترین شیوه ارائه مطالب و نحوه فعالیت‌ها و اجرای ساختاری در زمینه‌ی ارتقای آگاهی‌های زیست محیطی را می‌آموزد تا از این طریق، هر فرد جامعه، خود را از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، مسئول در حفظ و حمایت از محیط زیست بداند. اگر واقعاً در پی محافظت از منابع و محیط زیست باشیم، می‌بایست در نهایت در رفتارهای کلیه جوامع در قبال زیست سپهر تغییراتی ایجاد شود. همچنین یکی از اهداف درازمدت آموزش حفاظت از محیط زیست، ایجاد تغییرات و تحول در گرایش‌ها و رفتارها نسبت به طبیعت و محیط زیست است، به نحوی که رفتارها و گرایش‌های جدید با اخلاق جدید زیست محیطی هم‌آوایی داشته باشند (می‌بودی و همکاران، ۲۰۲، ص ۳۶).

مهم‌ترین وظیفه رسانه‌ها

بی‌تردید شناخت دقیق ماهیت رسانه‌ها و بررسی توانمندی‌ها و کارکردهای مثبت آن‌ها، سهم فزاینده‌ای در توسعه دانش، فرهنگ، مهارت‌ها و نگرش‌های فردی و اجتماعی بشر دارند. توجه به این رسالت مهم، برای دولتمردان، برنامه ریزان و عاملان رسانه‌های جمعی ضرورتی انکارناپذیر است. محیط زیست در سطح جهانی و ملی در معرض تهدیدهای جدی است. حفاظت از محیط زیست به همت و توجه آحاد جامعه وابسته است. نگرش و تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، بر نوع رفتار آن‌ها با محیط زیست تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل رسانه‌ها تأثیر بسزایی در ارتقاء فرهنگ‌سازی محیط زیستی مردم و توجه دادن به آن‌ها برای حفظ محیط زیست دارند. از این رو تأثیرگذاری رسانه بر روی ابعاد گوناگون شخصیت مردم، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. به‌طور کلی رسانه‌ها با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خبره و آگاه می‌توانند به تهیه، تدوین و انعکاس خبرها و مسائل زیست محیطی بپردازند و تدابیر و راهبردهای آینده توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را به بحث بگذارند و ظرفیت‌های زیست محیطی را برای استفاده از فرصت‌ها، امکانات و منابع موجود به کارگیرند و در تصمیمات مرتبط با حفاظت از محیط زیست، مؤثر باند که در میان رسانه‌های جمعی، تلویزیون تنها وسیله‌ای است که از حواس بینایی و شنوایی افراد استفاده می‌کند و دارای پوشش وسیع و سرعت انتقال پیام است. تلویزیون به دلیل ارائه تصویر، نسبت به رسانه‌های دیگر جاذبه بیشتری دارد، چشم‌ها را بیشتر به خود خیره می‌کند و به علاوه فهم پیام‌ها را آسان‌تر می‌سازد. امروزه مسئله



محیط زیست یک موضوع جهانی است و این مهم بدون حضور و کمک رسانه‌ها امکان‌پذیر نیست. رسانه‌ها با منعکس کردن نقاط ضعف و قوت و عملکرد هر سازمان یا اداره، می‌توانند افکار عمومی را نسبت به آن مسائل حساس کنند و مسئولین نیز با توجه به این که رسانه، انعکاس‌دهنده فعالیت‌های آن‌هاست، نسبت به جریان کمبودها اقدام کنند. رسانه به‌عنوان ناظر بر فعالیت‌های هر سازمان، نقش ارزنده‌ای در بهبود شرایط و جلوگیری از کمبودها بر عهده دارد. رسانه‌ها، مهم‌ترین رکن ارتقا و انتقال دانش محیط زیستی در جامعه هستند. امروزه در تمام جهان، رسانه‌ها تعیین‌کننده مسیر، افکار و فرهنگ در تمام سطح زندگی و همچنین رفتار انسان‌ها در حفاظت از محیط زیست می‌باشند. رسانه‌ها با دادن اطلاعات محیط زیستی به سطوح مختلف جامعه متناسب با نیاز هر قشر جامعه و القا و نهادینه کردن این اطلاعات، موجب تغییر رفتار و گسترش فرهنگ محیط زیستی جامعه می‌شوند.

متخصصان محیط زیست و سازمان‌های محیط زیستی با آگاه‌سازی و دادن اطلاعات محیط زیستی به عموم مردم و اقشار مختلف جامعه، سعی در بالا بردن و ارتقای سطح دانش محیط زیستی و ایجاد فرهنگ حفاظت از محیط زیست دارند، این امر بدون مشارکت رسانه‌ها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا رسانه‌ها، مهم‌ترین عامل ارتباط بین متخصصین، کارشناسان محیط زیست و سازمان‌های محیط زیستی با مردم هستند.

رسانه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رکن ارتقای دانش محیط زیستی جامعه، نقش بی‌بدیلی در جلب توجه افکار عمومی بر عهده‌دارند و قطعاً بدون کمک رسانه‌های ارتباط جمعی، نمی‌توان شاهد گسترش و بسط فرهنگ محیط زیستی در جامعه بود. از این رو، می‌توان گفت رسانه‌ها، مهم‌ترین نقش را در ایجاد فرهنگ محیط زیستی جامعه دارند.

رسانه‌ها با اطلاع رسانی و ارتقای دانش محیط زیستی، مهم‌ترین نقش را در جلوگیری از تخریب طبیعت و حفاظت از محیط زیست دارا هستند. رسانه‌ها، امروزه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و گسترش یک فرهنگ به حساب می‌آیند. رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه‌ها و مجلات، رسانه‌های شنیداری مانند رادیو، رسانه‌های دیداری مانند تلویزیون و رسانه‌های دیجیتالی، هر کدام با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خود، تأثیر گسترده و بسزایی در گسترش یک فرهنگ دارند. کمک گرفتن از ظرفیت نهفته در رسانه‌ها برای ایجاد فرهنگ دوستی با محیط زیست و گسترش این فرهنگ، می‌تواند ما را در رسیدن به جامعه و فرهنگ دوستدار محیط زیست یاری نماید. با این حال، مسئله مهم اینجاست که رسانه‌ها در یک جامعه تا چه میزان فعال هستند و تا چه حدی به مسئله محیط زیست اهمیت می‌دهند. تردیدی نیست که رسانه‌ها از بدیهی‌ترین تأثیرگذاران بر آموزش و تنویر افکار عمومی در نگهداری از محیط زیست هستند. از آنجایی که بیشتر رسانه‌های جمعی مورد توجه عموم هستند و مردم، پاره‌ای از اوقات شبانه‌روز خود را به مطالعه، دیدن و یا شنیدن اطلاعات و اخبار منعکس‌شده در آن‌ها اختصاص می‌دهند، بنابراین، سریع‌ترین، مطمئن‌ترین، در دسترس‌ترین و تأثیرگذارترین ابزار در جهت اشاعه فرهنگ حفاظت از محیط زیست و آموزش و تنویر افکار عمومی، رسانه‌های جمعی هستند. برخی از اندیشمندان معتقدند با استفاده از رسانه‌ها، به راحتی می‌تواند یک جریان فکری به وجود آورد؛ بنابراین، رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردها و استراتژی‌ها در امر حفاظت از محیط زیست، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ نگهداری از محیط زیست و رفع مشکلات زیست محیطی با آگاه ساختن مردم ایفای نقش کنند. نگرش و تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، بر نوع رفتار آن‌ها با محیط زیست تأثیر می‌گذارد. در ارتباط با مسائل و موضوعات زیست محیطی و آگاهی بخشی به افکار عمومی و انتشار اخبار واقعی



و صادقانه، نقش رسانه‌ها بسیار مهم و حیاتی است. پس چرا مشکلات محیط زیستی باید به بحران تبدیل شود و کار به جایی برسد که زندگی مردم را مختل کند تا اهالی رسانه در کشور دست‌به‌قلم شوند. روزنامه‌نگاری محیط زیست نقشه راهی است تا خبرنگاران و رسانه‌ها بتوانند پیش از به وجود آمدن بحران، مسائل و چالش‌ها را اطلاع‌رسانی کنند. شاید مشکل اینجاست که رسانه‌ها می‌توانند بنویسند اما دانش محیط زیستی ندارند و فعالان محیط زیست بر مباحث تسلط دارند، اما قلم توانا برای نوشتن ندارند. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران محیط زیست با نوشتن اخبار و گزارش‌های حرفه‌ای، بیان مسائل علمی به زبان عمومی و انتشار آن در رسانه‌ها به‌ویژه مطبوعات کثیرالانتشار می‌توانند نقش عمده‌ای در این مسیر ایفا کنند.

اما در حال حاضر رسانه‌ها کمترین توجه را در بخش فرهنگ‌سازی و آموزش محیط زیست دارند و بیشترین کارکرد روزنامه‌ها در خصوص اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی بوده و کمترین توجه را به بخش آموزش و فرهنگ‌سازی داشته‌اند. رسانه‌ها وظیفه دارند درباره ماهیت و دامنه مسائل محیطی آموزش‌های پایه را در اختیار مردم و مسئولان بگذارند و برای برانگیختن احساس مسئولیت، در آنان به‌عنوان افراد مستقل و شهروندان جامعه فردا، اقدام کنند تا به جلوگیری از نابودی محیط زندگی و ایجاد محیط سالم برای خود و آیندگان کمک کنند. رسانه‌ها می‌توانند در راستای برنامه‌های آموزشی خود، اعم از نوشتارها، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها، میزگردها، و به نمایش گذاشتن محورهای همایش‌های استانی، ملی و جهانی، دامنه مهارت‌های فنی انسانی و ادراکی مدیران را ارتقاء بخشند. مهارت‌های فنی یعنی دارایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است امروزه دانشگاه‌ها تنها نهاد آموزشی ایجاد مهارت محسوب نمی‌شوند، بلکه رسانه‌ها هم می‌توانند دستاوردهای پژوهش‌های پژوهشگران را در یک فرایند قابل‌هضم فراهم آورند. رسانه‌ها در جوار برنامه‌های آموزشی خود، می‌توانند برنامه‌هایی نیز برای ارتقای سطح دانستنی‌ها و معلومات عموم و اعتلای سطح دانش فنی و معارف مدیران تهیه و پخش کنند. مهارت بااهمیت دیگر برای هر مدیر مهارت انسانی است، یعنی داشتن توانایی و قدرت تشخیص درزمینه‌ی ایجاد محیط تفاهم و همکاری و انجام دادن کار به‌وسیله دیگران، فعالیت مؤثر به‌عنوان عضو گروه، درک انگیزه‌های افراد و تأثیرگذاری بر رفتار آنان (علاقه‌بندی، ۱۳۸۵، ص ۱۲) در مجموع امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به برنامه‌های حفاظت از محیط زیست احساس می‌شود انواع مختلف آلودگی‌هایی که گریبان گیر جوامع کنونی بشر است، دلیلی بر این مدعاست (حسین‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۰)

نقد عملکرد رسانه‌ها

رسانه‌ها در نگاه به‌عنوان ابزاری برای کنترل افکار عمومی معرفی شوند، که در انحصار صاحبان قدرت قرار دارند، در این مقاله میلی بین افکار عمومی خاص و افکار عمومی توده مردم تمایز قائل شد و اظهار نگرانی کرد که با کسب اطلاعات و کنترل وسایل ارتباط جمعی، توده مردم زیر نظر قدرت مرکزی کنترل می‌شوند. وی این جریان را تهدیدی جدی برای دموکراسی به‌شمار می‌آورد. از این‌رو، وی اعتقاد داشت که نقش روشنفکران در ایجاد راه‌کارهایی باید باشد که از این انحصارگرایی جلوگیری کند (ادیبی، ۱۳۸۷، ص ۶۴) میلی بابت بیان این واقعیت که انسان‌ها در یک جهان ثانوی زندگی می‌کنند که در آن، آگاهی‌های خود را نه از تجارب شخصی، بلکه از طرق غیرمستقیم استحصال می‌کنند، به نقش رسانه‌ها به‌عنوان مراکز تفسیر اشاره می‌نماید و تأثیرپذیری ناخودآگاه توده‌ها را از این ابزار، اجتناب‌ناپذیر می‌داند. اولین قانون شناخت وضعیت بشری این است که انسان‌ها در یک جهان ثانوی زندگی می‌کنند؛ آگاهی، کمتر از تجربیات شخصی آنها حاصل می‌شود، تجربیات شخصی



نیز همواره غیرمستقیم است. ویژگی‌های زندگی آنها توسط مفاهیمی است که از دیگران دریافت می‌کنند (سعید، ۱۳۷۹، ۱۱۴). او تفسیرها و تعبیرهای منبعث از مفاهیم و تصاویر القایی رسانه‌ها را به همان اندازه که بر آرمان‌های تمام زندگی افراد مؤثر است، هدایتگر ادراکات لحظه‌ای آنان نیز می‌داند و می‌افزاید: هر کس هر آنچه را که مشاهده می‌کند تفسیر می‌نماید و به همان اندازه هم آنچه را که مشاهده نکرده است؛ اما واژه‌ها و اصطلاحاتی که با آن دست به تفسیر می‌زند مال خودش نیست. او شخص آنها را ضابطه‌مند نکرده است و حتی شخص آنها را آزمایش نکرده است. هر کس در مورد آزمایش‌ها و مشاهدات خود با دیگران سخن می‌گوید، اما الفاظ گزارش او چندان با واژه‌ها و تصاویری که دیگران از آن خود می‌پندارند، تفاوتی ندارد؛ زیرا بسیاری از آنچه شخص حقیقی استوار، تفسیری صحیح و نموداری مناسب می‌داند به صورتی فزاینده، بر قرارگاه‌های مشاهده، مراکز تفسیر و ذخایر در دسترس که در جامعه معاصر توسط وسایلی که من آنها را ابزارهای فرهنگی می‌نامم تعبیه شده است، متکی است (همان، ۱۱۵ و ۱۱۶). آن‌چنان‌که می‌بینیم این مراکز تفسیر، نه تنها افکار و عقاید درازمدت یک نفر و حتی ذائقه و احساسات لحظه‌ای او را مدیریت کرده و شکل می‌دهند، بلکه کارکرد مهم‌تر آنها این است که جریان یکنواختی از برداشتها و ایستارها را در اکثر افراد یک جامعه نهادینه می‌کنند و بالطبع، حرکت‌های جمعی را در حوزه‌های مختلف به سمتی که سیاست‌گذاران این ابزار قدرتمند تمایل دارند، همگرا نموده و سامان می‌بخشند. او همچنین به بهره‌برداری تاجران از این ابزار به‌عنوان کارکرد دیگر رسانه اشاره کرده و می‌گوید: همواره کلیه توجهات دوربین‌های رسانه‌های جمعی مراکز تبلیغاتی و تفریحی، متوجه محفل بزرگان است تا جاذبه حاکم بر این گونه محیط‌ها را به اطلاع جامعه مخاطب خود برسانند؛ زیرا جذابیت و فریبندگی این اماکن و مجامع به واقعیت‌های انکارناپذیر و ثابت دنیای تجارت تبدیل شده‌اند، (میلز، ۱۳۸۳، ۱۱۸) او به قطع رابطه متقابل روشن‌فکران با توده مردم و روبه‌زوال رفتن ایدئولوژی‌هایی که نویدبخش آینده‌ای بهتر بوده‌اند، اشاره کرده و یکی از علل این وضعیت را مصادره رسانه‌ها می‌داند. امروز دیگر از آن عده روشن‌فکرانی که خطابه‌های عمده ایراد می‌کردند و کار آنان به‌عنوان کار روشن‌فکرانه در میان احزاب و عموم مردم مؤثر بود، خبری نیست. در هیچ جا وسایل ارتباط جمعی در اختیار توده مردم نیست (میلز، ۱۳۷۰، ۱۹۷). برعکس، این ابزار وسیله‌ای در اختیار نخبگان قدرتمند است برای کسب شهرت و اعتبار بیشتر. شهرت و پرستیژ به‌طور فزاینده‌ای، به دنبال تسلط بر واحدهای نهادینه‌شده بزرگ جامعه پیدا می‌شود. بدیهی است که این نکته یقین به دسترسی به وسایل ارتباط جمعی که امروز مشخصه اصلی و طبیعی همه مؤسسات بزرگ در آمریکای جدید است بستگی دارد.

یافته‌ها

آموزش زیست محیطی و انطباق الگوی مصرف جامعه با موازین عقلی و منطقی در راستای منابع ملی، تنها از طریق نهادهای رسمی میسر نیست، بلکه وسایل ارتباط جمعی نیز می‌توانند به‌عنوان مکمل نهادهای رسمی آموزش باشند. رسانه‌های یادشده در این نوشتار، نقش مهمی در زندگی مردم کشورمان ایفا می‌کنند و در حفظ محیط زیست از جایگاه ممتازی برخوردارند. در این پژوهش هدف ما بررسی نقش رسانه‌ها در حفظ محیط زیست بود. آنچه نیاز به انجام این تحقیق واداشت، بررسی این مسئله می‌باشد که در عمل، رسانه‌های ملی و محلی و به‌ویژه تلویزیون در جهت فرهنگ‌سازی و حفاظت از محیط زیست، تا چه اندازه در این زمینه دخیل‌اند. و نشان داده شد که رسانه‌ها بیشترین تأثیر را در فرهنگ‌سازی و ارتقاء اخلاق محیط زیستی مردم دارد. با همکاری رسانه‌ها شاهد ارتقای سطح فرهنگ عمومی مردم خواهیم بود تا نتایج مطلوب به دست آورده



و به سمت توسعه هدایت شویم. آموزش افراد جامعه و تلاش برای ایجاد فرهنگ به گونه‌ای که افراد با اهمیت محیط زیست آشنا شوند و بیاموزند که در زندگی از محیط زیست محافظت کنند، از عهده یک یا دو نهاد و سازمان خارج است. برای رسیدن به چنین هدفی و ایجاد و توسعه فرهنگ دوستی با محیط زیست، ایفای نقش و فعالیت تمامی سازمان‌ها و نهادهایی که مستقیم و غیرمستقیم در فرهنگ‌سازی تأثیر دارند، ضروری است. تنها با همکاری و هماهنگی نهادهای مسئول و مرتبط است که می‌توان در جهت ایجاد فرهنگ دوستی با محیط زیست اقدام کرد. رسانه‌های، به‌ویژه تلویزیون نقش بسیار مهم و گاه منحصربه‌فردی در فرهنگ‌سازی، بازنمایی فرهنگ موجود، صیانت از ارزش‌ها و الگوها، جهت‌دهی به نهادهای اجتماعی و شکل‌دهی به نظام شخصیت افراد ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد که دو عنوان عام و محوری «امر به معروف و نهی از منکر» در فرهنگ دینی، جامع‌ترین و گویاترین بیان برای معرفی نقش و مأموریت فرهنگی رسانه‌های جمعی در یک جامعه اسلامی شمرده می‌شوند. از رسانه جمعی به‌عنوان برجسته‌ترین نهاد فرهنگی در یک جامعه اسلامی انتظار می‌رود که هم خود در گستره فعالیت‌های رسانه‌ای - به‌طور مستقیم و غیرمستقیم - عامل و مجری این دو فریضه بوده و هم در ترغیب و تشویق سایر نهادها و سازمان‌ها و عموم توده‌ها و نیز بسترسازی و تقویت انگیزه‌ها در مسیر اجرایی شدن آنها بیشترین نقش را ایفا کنند. مجموع اقداماتی که رسانه ملی می‌تواند در جهت بسط، تقویت، تعمیق، تغییر و صیانت از ارزش‌های دینی بدان اهتمام نماید، اکثریت افراد از اوضاع محیط زیست ایران اطلاعات کمی دارند و درعین‌حال به مشارکت در برنامه‌های زیست محیطی از طریق رسانه ملی، علاقه‌مند هستند. آنان بیشترین اطلاعات و اخبار محیط زیست را از طریق صداوسیما دریافت می‌کنند که نشان‌دهنده اهمیت نقش این رسانه در اطلاع‌رسانی موضوع‌های زیست محیطی است، اکثریت افراد همچنین نقش تلویزیون را در ارتقای آگاهی‌های زیست محیطی خیلی زیاد می‌دانند و بر نقش تلویزیون بیش از پیش تأکید دارند و نیز گزارش‌های محیط زیست را در رسانه ملی، خیلی کم مشاهده می‌کنند که البته این ضعف صد درصد متوجه رسانه ملی نیست، بلکه به عدم هماهنگی و همکاری سایر دستگاه‌های ذی‌نفع هم برمی‌گردد، اکثریت افراد پخش برنامه‌های زیست محیطی را در قالب برنامه‌های اجتماعی، بیشتر می‌پسندند و بخش برنامه‌های زیست محیطی را به‌صورت گزارش‌های زنده ترجیح می‌دهند. همچنین با توجه به اوضاع فعلی محیط زیست کشورمان، لازم است حقایق آن به‌صورت زنده و شفاف برای درک بیشتر اهمیت حفاظت از محیط زیست اطلاع‌رسانی شود؛ زیرا هرچه میزان آگاهی‌های مردم از اهمیت حفظ محیط زیست بیشتر شود در برابر آن خود را بیشتر مسئول می‌دانند که در نحوه رفتارهایشان با محیط زیست، مؤثر خواهد بود. در اهمیت و جایگاه رسانه‌های جمعی صداوسیما در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از دوازده فصل قانون اساسی به این نهاد فرهنگی اختصاص یافته است. در مقدمه این قانون چنین آمده است: وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند...

پیشنهادها

۱. امر فرهنگ‌سازی و حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی باید در کشور به‌طور کامل تثبیت شود و از این‌رو دولت باید طبقه استفاده درست از منابع را در طرح آموزشی خود مورد توجه قرار دهد.
۲. مدت‌زمان بیشتری از برنامه‌های رسانه‌ها به بخش فرهنگ‌سازی و زیست محیطی اختصاص داده شود.



۳. افزایش آگاهی‌های عمومی در بین اقشار مختلف مردم و کلیه سطوح تحصیلی برای پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست.
۴. معرفی جامع و با محتوای تنوع محیط زیست کشور و ساخت برنامه‌هایی درباره روش‌های حفاظت از محیط زیست توسط مردم.
۵. افزایش اطلاعات عمومی مرتبط با محیط زیست و ارائه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در این زمینه.



منابع

- احدیان، م.، ۱۳۷۸، مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران، انتشارات بشری، چاپ اول.
- ادوارد، س.، ۱۳۷۹، /سلام رسانه ها، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس ۱۳۵۶، علل جنگ جهانی سوم، ترجمه فریبرز برزگر، تهران، جاویدان.
- ادوارد، س.، ۱۳۷۹، اسلام رسانه ها، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس.
- ادیبی، ح.، ۱۳۸۷، سی رایت میلز جامعه شناس عدالت خواه تهران، دانژه.
- اژدری، ا.، ۱۳۸۲، توسعه فرهنگی و محیط زیست، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۳
- بادکوبی، ا.، ۱۳۸۰، آموزش محیط زیست برای دستیابی به توسعه پایدار، همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست.
- بنان، غ. ع.، ۱۳۵۱، محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن، تهران: انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسان، جلد اول.
- بنسون، جان ۱۳۸۲، اخلاق محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهابزاده، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- پریشانی، ن.، میرشاه جعفری، س. ا.، شریفیان، ف.، فرهادیان، م.، ۱۳۹۶، بررسی تطبیقی اهداف آموزشی محیط زیست و فعالیت‌های مرتبط با آن در کشورهای منتخب و ایران در راستای پیشنهاد فعالیت‌هایی برای ایران، فصلنامه‌های رویکرد نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی روانشناسی دانشگاه اصفهان، سال دوازدهم، شماره یک، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۴-۱
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۶)، حقوق کیفی محیط زیست، تهران: نشر قومس، چاپ اول
- جنیدی، م. ج.، ۱۳۵۲، صنایع مدنی و آلودگی محیط زیست، تهران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- حسین‌زاده دلیر، ک.، ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران، انتشارات سمت.
- دبیری، ف.، واحد ناوان، ع.، ۱۳۹۰، رسانه و توسعه حقوق محیط زیست، مطالعات رسانه‌ای، سال ششم، شماره دو، صص ۱۹۰-۱۷۳
- دهخدا، ع. ا.، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، نرم افزار، ذیل واژه
- رمضانی قوام‌آبادی، م. ح.، ۱۳۹۱، بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران: ضرورت‌ها و تنگناها، فصلنامه راهبرد. سال بیست و یکم. شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۱
- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۳/۲۱، پیام به همایش حقوق محیط زیست.
- سلطانی فر، م.، ۱۳۸۴، رسانه‌ها، بحران‌های نوین و جنگ‌های پست مدرن. پژوهش و سنجش، ۱۲
- سورین ورنر- تانکارد جیمز، ۱۳۸۱، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران
- شبییری، س. م.، و عبدالمهی، س.، ۱۳۸۸، مفاهیم و کاربردها و نظریه‌ها در آموزش محیط زیست، تهران، پیام نور. زارعی‌زوارکی، اسماعیل. و جعفرخانی، فاطمه. (۱۳۸۸). چندرسانه‌ای آموزشی و نقش آن در آموزش ویژه. تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۹۸، صص ۲۲-۳۰.
- صالحی، ر.، جعفری، ن.، گلشنی، م.، و حقانی، ف.، ۱۳۸۹، تبیین اهداف آموزشی و ارزشیابی آن در گروه آموزش علوم تشریح دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، آموزش در علوم پزشکی، ۱۰، (۵)، صص ۸۵۹-۸۵۰.



عسکری، ع.، ۱۳۹۰، نقش رسانه بر محیط زیست سالم، مطالعات رسانه سال هفتم، شماره شانزدهم. علاقه بند، ع.، ۱۳۸۵، مدیریت آموزشی، تهران، نشر روان.
 علی آبادی، خ.، ۱۳۸۷، مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
 محمدی، م.، ۱۳۸۴، اخلاق زیست محیطی، فلسفه، کلام و عرفان، ش ۲۶، ص ۱۲۳ - ۱۳۷.
 معتمدنژاد، ک.، ۱۳۸۶، وسایل ارتباط جمعی، چ ششم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
 میلز، سی رایت، ۱۳۷۰، بینش جامعه شناختی، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
 یونسکو. ۱۳۷۰، آموزش بین المللی محیط زیست، ترجمه فیروزه برومند. انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

Available from: http://www2.epa.gov/education/what_environmental_education. Dewey, J, 1938. Experience and Education, New York: Macmillan.

Marzso, S, 1980. Toward interdisciplinary environmental education proceeding of the international. Seminar ducation and environment some IDEAS on the interdisciplinary nature of the environmental education.

Premakumara DGJ. Survey of household solid waste generation and public awareness on waste separation and compositing practices in Cebu city. Japan: Institute for Global Environmental Strategies; 2011.

Tversky, B. Morrisony, J. B. And Betrancourt, M. (2002). Animation: can it facilitate? Human-Computer Studies, 57:247-262.

UNICEF, 2009, The State of the World's Children: Special Report Celebrating 20 years of the Convention on the Rights of the Child, Retrieved 1 November 2009, from www.unicef.org

USEPA. What is environmental education? Washington DC: United States Environmental Protection Agency; 2013 cited 2014 Jan